

اهالی مجتمع چشم‌انداز کوهسنگی بعد از ۱۰ سال دوندگی، مجوز ساخت مسجد گرفتند

کفش‌های آهنی به محراب رسید



فهمه شهری‌سال‌های پیش، زمین و محوطه مجتمع مسکونی چشم‌انداز کوهسنگی واقع در پیروزی ۲،۱ پارکینگ ماشین آلات جهاد کشاورزی بود. بعد ها که قرار شد مسکن مهر در آن ساخته شود، مهندسان و ناظران، در فضای محوطه، دو اتاق برای خودشان درست کرده بودند. با آغاز سکونت در مجتمع، ساکنانی که دغدغه برپایی مسجد را داشتند، همین اتاق‌ها را محلی برای برپایی نماز جماعت و انجام امور فرهنگی کردند. حالا ۱۰ سال از آن زمان می‌گذرد و در این مدت بعضی از اهالی محله طالقانی، از جمله زهره قاضی زاده کفش آهنی پوشیدند و کمر همت بستند و بعد از دوندگی‌های پی‌پی‌توانستند این مکان را به عنوان مسجد ثبت کنند. مسجد نورالزهرا^ع مجتمع چشم‌انداز کوهسنگی هنوز هم ساختمان درستی ندارد؛ داریست‌ها و پارچه‌هایی که دور آن‌ها کشیده شده، فضای مسجد را تشکیل داده اما آنچه آن را پابرجا نگه داشته پشتکار و همت اهالی است که با وجود مشکلات، این سنگ را خالی نکردند.

۵۵۵ خانواده بدون مسجد!

قاضی زاده تعریف می‌کند: سال ۹۴ که اینجا ساکن شدم، جلسات دوره قرآن و سبک زندگی را در منزل خودم شروع کردم اما کم‌کم که جمعیت ساکنان زیاد شد، در خانه‌ها جانی شدم و مدام با خود مان می‌گفتم پروژه‌ای به این بزرگی، چرا برای آن مسجد در نظر نگرفته‌اند. او ادامه می‌دهد: وقتی این اتاق‌ها نمازخانه شد، نمی‌دانید چقدر خوشحال بودیم. آن موقع هیچ امکاناتی حتی آب، برق، گاز، آشپزخانه و سرویس بهداشتی نداشت. خانم‌ها خودشان با فلاسک، چای می‌آوردند و بعد نماز از هم پذیرایی می‌کردند.

آن‌ها از همین اتاق‌ها به عنوان مکانی برای کلاس‌های مختلف از جمله قرآن آموزی، سبک زندگی اسلامی، مهدکودک و... استفاده می‌کردند. با اضافه شدن جمعیت و تعداد ساکنان، به ویژه در مناسبت‌هایی همچون محرم و صفر و شب‌های قدر و... فضای کافی نداشتند. پیگیری‌های قاضی زاده نتیجه می‌دهد: ابتدا در قسمتی از زمین، به عنوان مسجد داریست می‌زنند و سرانجام امسال موفق می‌شوند مجوزهای لازم را بگیرند تا ۶۰ متر از زمین محوطه مجتمع را به مسجد و ۵۱ متر را به فضای ورزشی اختصاص دهند.

معصومه نجمی پور می‌گوید: یازده سال پیش، خانم قاضی زاده بچه شیرخوار چهار ماهه داشت. او را پیش همسایه‌ها می‌گذاشت و از این اداره به آن اداره می‌رفت تا مجوزهای مسجد را بگیرد. بارها و بارها با اتوبوس به تهران رفت. شاید الان به زبان ساده بیاید، اما برای یک امضای دیدید یک ماه دوندگی می‌کرد. چه روزهایی که صبح زود می‌رفت پشت در ادارات تا بتواند فلان مدیر را ببیند.

برپایی نماز جماعت روی برف

«برگ‌ها را جارو می‌زدیم و به نماز می‌ایستادیم. چه بسیار روزهایی که زیر پایمان برف یا بالای سرمان آفتاب سوزان بود اما نماز جماعت‌مان را دایر کردیم.» این‌ها را عصمت آرامش تعریف می‌کند و پشت بندش، همسرش علیرضا ملایی، حرف را به سال‌های عقب‌تر می‌برد و می‌گوید: حدود سال ۱۳۸۰ اینجا یعنی محدوده خیابان آلاله ۱۳ اصلاً مسکونی نبود. او قسمت انتهایی زمین را نشان می‌دهد و می‌گوید: آنجا تعمیرگاه‌های ماشین بود. سال ۱۳۵۰ این زمین‌ها متعلق به وزارت جهاد کشاورزی شاهنشاهی بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زمین‌ها به جهاد سازندگی تعلق گرفت و زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد قرار شد در آن مسکن مهر ساخته شود.

به گفته ملایی، سال ۹۵ مجتمع ۵۵۵ واحدی چشم‌انداز کوهسنگی به مردم تحویل داده شده است اما از سال ۹۴ که هنوز کامل نبود، بعضی‌ها در آن ساکن شدند. خودش هم جزو همین افراد بوده است.

معصومه نجمی پور دو اتاق مسجد را نشان می‌دهد و تعریف می‌کند: اینجا اتاق ناظران و مهندسان پروژه بوده است. یک بار که داشتیم با زهره خانم قاضی زاده از کنارش رد می‌شدیم، گفتیم چقدر خوب می‌شود اگر اینجا مسجد باشد. از آن موقع خانم قاضی زاده، یکی از اهالی، پیگیر شد. با کمک شهرداری دستی به سروروی اتاق‌ها کشیده شد و اولین نماز جماعت را سال ۹۵ در آن برپا کردیم.

ظرفیت‌های پیش‌رو مسجد

حجت الاسلام والمسلمین محسن قاسمی که امام جماعت این مسجد است، می‌گوید: در حال حاضر حدود ۳ هزار نفر در این مجتمع سکونت دارند و با کلی مشکلات فرهنگی مواجه هستیم. به نظر او مسجد باید سنگر باشد تا بتواند باناهنجاری‌های اجتماعی مقابله کرد. او ساکنان رضاشهر بوده است. حدود هشت سال پیش که امام جماعت اینجا شده، خانه‌اش را به اجاره داده و خانه‌ای در این مجتمع اجاره کرده تا در کنار مردم آن حضور داشته باشد و بتواند نقش مؤثرتری ایفا کند.

قاسمی تأکید می‌کند: تاکنون در همه مناسبت‌ها در این‌جا برنامه‌های متنوع برگزار شده است. حتی از مجتمع‌ها و خانه‌های اطراف شرکت‌کننده داریم. اهالی روضه‌های خانگی‌شان را در مسجد برپا می‌کنند. بازارچه دایر است. کلی کلاس برای بچه‌ها و مادران داریم. پایگاه مقاومت بسیج راه‌انداخته‌ایم. مسجد در مسیر زائران پیاده است و قابلیت این را دارد که در آینده در آن موبک بزنیم.

به گفته او چهل کودک در اینجا قرآن خوان شده اند و سه نفر حافظ قرآن دارند. قاسمی ساخت این مسجد را یک نیاز فرهنگی ضروری می‌داند. خودش هم تاکنون به صورت جهادی پای کار بوده است تا کارهای آن انجام شود.

راه‌انداختن وام محلی برای ساخت مسجد

اسحاق نجمی پور، یکی از ساکنان مجتمع، می‌گوید: خیلی‌ها نمی‌خواستند اینجا مسجد شود. کلی سنگ اندازی کردند اما مردم و در رأسشان خانم قاضی زاده کوتاه‌نیا شدند. به گفته او بارها پیش آمده است که مخالفان، سعی بر خراب کردن این فضا داشته‌اند تا پا نگیرد. روزهایی بوده که می‌آمدند و می‌دیدند شیرهای آب را خراب کرده و پارچه‌های دور داریست را پاره کرده‌اند اما مردم سنگر را خالی نمی‌کردند و چراغ آن را روشن نگه می‌داشتند.

همسرش، معصومه خانم، تعریف می‌کند: یکی از خانم‌ها ال‌نگویش را اهدا کرد و با هزینه آن برای داریست‌های مسجد در خریدند. از آن به بعد امنیتش بهتر شد.

قاضی زاده ادامه می‌دهد: سه تا وام قرض‌الحسنه محلی با کمک اهالی برگزار کردیم؛ قسط‌هایش را خانواده‌های ما دادند و پول وام صرف مسجد شد تا بتوانستیم اندک امکاناتی را تأمین کنیم. قاضی زاده می‌گوید: یازده سال دوندگی کردیم که توانستیم مجوز این مسجد را بگیریم. تا الان هم با کمک اهالی، این مکان گردانده شده اما هزینه‌های ساخت آن، بسیار فراتر از وام‌های خانگی ما و کمک‌های اهالی است و نیاز به پای کار آمدن خیران داریم.

جایگزین کردن برج با مسجد

قاضی زاده ادامه می‌دهد: کاربری محوطه‌ای که الان به مسجد اختصاص پیدا کرده است، در طرح تفصیلی جدید منطقه در سال ۱۳۹۸ به مسکونی تغییر کرده بود و بنا به اظهار مسئولان قرار بود برج بنا شود اما اهالی می‌گفتند با جمعیت فعلی کلی مشکلات فرهنگی وجود دارد. چه برسد به افزایش جمعیت. خدا کمک کرد و موضوع کاربری مسکونی با پیگیری‌های فراوان منتفی شد و آن ۶۰ متر زمین را به ما دادند برای مسجد.

او با یل‌بخندی از سررضایت و شادمانی، می‌گوید: از حدود سه سال پیش، کار روی روال افتاد و در اولین گام، سال ۱۴۰۲ شهرداری داریست به ما داد و دور داریست‌ها را با پارچه پوشاندیم و شد مکان مسجد مان. بعد از آن، کارها راحت‌تر انجام شد و رسیدیم به مجوز فعلی.



پای‌آباد شدن مساجد می‌ایستیم

محمد آقای درویشی سال ۹۹ ساکن محله شده است. او می‌گوید: خانه قبلی مان در بولوار قاقانی بود. آنجا هم اوایل مسجد نداشتیم و در بیان نماز می‌خواندیم. مسجد آنجا که آباد شد، ما به این محله آمدیم و اینجا هم مسجد ندارد. البته مطمئنم با پشتیبانی مردم، ساخته می‌شود.

عصمت خانم در حالی که دست نوه هشت ساله‌اش را در دست دارد، می‌گوید: ما زچگی در مسجد بزرگ شده‌ایم. بچه‌هایمان هم همین‌طور. الان هم برای نوه‌هایمان نیاز به چنین فضایی داریم. زمستان‌ها روی برف و یخ و تابستان‌ها زیر آفتاب سوزان اینجا نماز خوانده‌ایم و بعد از این هم هر طور شده از ساخت مسجد مان حمایت می‌کنیم.